

قتل شیشه‌ای پیرزن تنها



مرد شیشه‌ای که توانایی پرداخت هزینه موادش را نداشت وقتی از ثروت زن تنها با خبر شد، نقشه سرقت از خانه اش را طراحی کرد. متهم جوان که ترس این را داشت هویتش برملا شود با عصا پیرزن را به قتل رساند و از محل متواری شد. اولین روزهای آذر امسال بود که مرد جوان راهی خانه مادرش شد. او هر روز به مادر پیرش که در خانه ویلایی تنها زندگی می‌کرد، سر می‌زد. آن روز عصر هم مثل تمام روزها زنگ خانه مادرش را به صدا درآورد، اما کسی پاسخگو نبود. چند باری زنگ زد، اما فایده نداشت. سابقه نداشت مادرش بدون خبر به آنها خانه را ترک کند و همین مساله نگرانی اش را بیشتر کرد. در نهایت با کلید یدکی که داشت وارد خانه شد و به محض ورود با صحنه تلخی مواجه شد. به هم ریختگی خانه و جسد پیرزن در کنار سالن پذیرایی، او را شوکه کرده بود.

گزارش یک جنایت

عصر پنجشنبه کارآگاهان پلیس استان زنجان از قتل زنی ۸۴ ساله در خانه ویلایی اش با خبر شدند. با اعلام این خبر بلافاصله کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی زنجان راهی محل شدند. با ورود به خانه عیانی، آنها با جسد پیرزن در حالی مواجه شدند که آثار شکستگی سر حکایت از مرگ بر اثر ضربه مغزی داشت. عصای خونی پیرزن در کنار جسد او افتاده بود و در تحقیقات اولیه به نظر می‌رسید که پیرزن تنها به نام بلقیس با عصای خودش کشته شده است. متخصصان پزشکی قانونی نیز زمان مرگ را حدود دو الی سه ساعت قبل از کشف جسد عنوان کردند. به هم ریختگی خانه و سرقت ده میلیون تومان پول و طلاهای پیرزن نشان از آن می‌داد که قتل به خاطر سرقت رخ داده است. بررسی‌های اولیه حکایت از آن داشت که عامل جنایت از طریق دیوار وارد خانه شده و پس از جنایت، نقشه سرقت را اجرا کرده است.

تحقیقات بدون سرنخ

در حالی که هیچ رد و سرنخی از عامل یا عاملان جنایت در دست نبود، کارآگاهان به تحقیقات خود ادامه دادند. در تحقیقات میدانی کارآگاهان دریافتند که پسر جوان، لاغر اندام و به نظر معنادی چند بار سراغ اهالی محل رفته و از آنها در رابطه با پیرزن تنها سوالاتی پرسیده است. همین موضوع سرنخی را در دست کارآگاهان قرار داد. از سویی آنها به بررسی دوربین‌های اطراف محل حادثه پرداخته و در نهایت موفق به شناسایی هویت عامل این جنایت شدند. با شناسایی هویت قاتل فراری، کارآگاهان راهی مخفیگاه متهم، چند محله آن طرف‌تر شدند. با دستگیری پسر شیشه‌ای ۷۲ ساعت پس از قتل، او برای تحقیقات به اداره آگاهی منتقل شد.

قتل به خاطر پول مواد

پسر جوان که هرگز تصور نمی‌کرد به خاطر جنایتی که هیچ ردی از خود به جا نگذاشته بود، دستگیر شود

در نخستین تحقیقات به جنایت اعتراف کرد و گفت: مدتی قبل از یکی از روستاهای اطراف برای کار به زنجان آمدم. من در سودای پولدار شدن بودم غافل از این که بدون پشتوانه مالی و مهارت نمی‌توانم کاری پیدا کنم و پولدار شوم. برای کار به همه جاسر زدم اما بی فایده بود؛ نه مهارت داشتم و نه سرمایه‌ای که بتوانم برای خودم کاری دست و پا کنم. او ادامه داد: از شرایطی که پیش آمده بود افسرده شدم و تمام رویاهایی که در سر پرورانده بودم به کابوس تبدیل شد. ناراحت داخل پارک نشسته بودم که مرد جوانی سراغم آمد. تنها بودم و دلخور و از سختی‌هایی که در شهر غریب برایم پیش آمده بود، گفتم و او هم مرا به خانه‌اش دعوت کرد.

اعتیاد به خاطر بیکاری

پسر جوان ادامه داد: آن شب با شیشه آشنا شدم و دوست جدیدم به من گفت که مصرف شیشه باعث می‌شود آرام شوم و از افسردگی دربیایم. اما مصرف مواد اوضاع مرا بدتر کرد. بعد از چندبار مصرف معتاد

شدم و بیکاری یک طرف و تهیه هزینه مواد مخدر از سوی دیگر به من فشار می‌آورد. نمی‌دانستم چکار باید انجام دهم؛ نه کسی را داشتم از او پول برای تهیه مواد بگیرم و نه کاری که حقوقم را برای پرداخت هزینه مواد بدهم. درگیر و دار گرفتاری‌های مواد بودم که ناگهان فکری به ذهنم رسید. می‌توانستم با زدی پولی بدست آورم و هزینه مواد را تامین کنم. باید به منطقه‌ای در بالای شهر می‌رفتم که وضع مالی افراد خوب بود. او که هنوز در شوک دستگیری و جنایتی که مرتکب شده بود، قرار داشت، ادامه داد: در حال پرسه زنی در خیابان‌ها بودم که پیرزنی را دیدم که وارد خانه ویلایی اش شد. سراغ همسایه‌ها رفتم و از آنها در رابطه با پیرزن اطلاعاتی گرفتم. تحقیقاتم نشان می‌داد پیرزن به تنهایی زندگی می‌کند، اما هر روز بچه‌هایش به او سر می‌زنند. از طرفی وضع مالی اش خوب بوده و بی‌شک پول و طلاهای زیادی دارد. بعد از این که اطلاعاتم تکمیل شد نزدیکی‌های غروب بود که وارد خانه ویلایی شدم.

متهم جوان گفت: از دیوار وارد خانه شدم و پیرزن را دیدم من خیلی ترسیدم. می‌خواستم فریاد بزنم و کمک بخواهم و من که می‌ترسیدم دستگیر شوم با عصبانیت ضربه‌ای به سر او زدم. با همان ضربه، زن تنها روی زمین افتاد. بعد از آن طلاها و پول‌هایش را برداشتم و از خانه فرار کردم. طلاها را به یک مالخر فروختم و از آنجا که هیچ رد و سرنخی از خود به جا نگذاشته بودم، تصور نمی‌کردم دستگیر شوم. برای همین بدون ترس دستگیری در مخفیگاهم زندگی می‌کردم، اما هنوز سه شبانه‌روز از آن جنایت نگذشته بود که دستگیر شدم.

اما در این مدت عذاب وجدان داشتم و از کاری که کرده بودم پشیمان بودم. ولی تنها به خاطر شیشه و هزینه آن مجبور شدم دست به کاری بزنم که جای جبرانی ندارد.

مرد جنایتکار پس از تشریح راز این جنایت با قرار قانونی روانه زندان شد تا بعد از تکمیل تحقیقات و بازسازی صحنه قتل در دادگاه محاکمه شود.

هشدار پلیس

را کنترل و متوقف کند، اما در سرعت غیر مجاز، راننده فرصت پیدا نمی‌کند که در صورت مواجهه با صحنه‌ای خطرناک و حادثه‌ساز، خود را در کنترل و متوقف کرده و از وقوع تصادف جلوگیری کند. سرنهنگ سلیمی در پایان به رانندگان وسایل نقلیه توصیه کرد هنگام رانندگی از گفت‌وگو با تلفن همراه یا سرنشینان خودرو، خوردن و آشامیدن و استعمال دخانیات پرهیز کنند، چرا که این سهل‌انگاری‌ها باعث حواس‌پرتی راننده و بی‌توجهی به جلو می‌شود و امکان وقوع حادثه را زیاد می‌کند.

سرنهنگ محمدباقر سلیمی، رئیس پلیس راهور خراسان رضوی در این باره هشدار داد: بی‌توجهی به مقررات عبور و مرور و سرعت و عجله هنگام رانندگی یکی از عوامل اصلی وقوع تصادفات ناگوار و حوادث غیر قابل جبران است که خسارت‌های فراوان مالی، روحی و روانی بر جامی گذارد. سرعت مجاز، میزان سرعتی است که توسط قانون تعیین می‌شود و سرعت مطمئنه سرعتی است که راننده در زمان مشاهده و مواجهه با موقعیت‌های حادثه‌ساز و پیش‌بینی وقوع تصادف می‌تواند خودرو

سوزناک دل‌تنگی‌شان، آهنگ ناله و گریه‌شان بود. آنها خواهر کوچولو خود را صدامی زدند و اشک می‌ریختند. پیکر نحیف دخترک روی تخت بیمارستان، بی‌صدا آرامید و صورتش را با پارچه‌ای سفید پوشانند. در این باره پرونده‌ای تشکیل و براساس اظهار نظر اولیه کارشناسان پلیس، تخطی از سرعت مطمئنه علت حادثه اعلام شد. پیکر دختر کوچولو پس از تشریفات قانونی به خانواده اش تحویل داده شد و در میان موجی از ناله و اندوه خانواده و اطرافیان و هم‌کلاسی‌هایش که از مدرسه آمده بودند تادر مراسم تشییع جنازه‌اش شرکت کنند به آغوش خاک سپرده شد.